

نگاه منتقد

فراز و فرود جامعه ایرانی در نگاهی جامعه‌شناسانه به ادبیات ایران مدرن (۱۳۴۰-۱۳۳۲) (بخش هشتم)

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

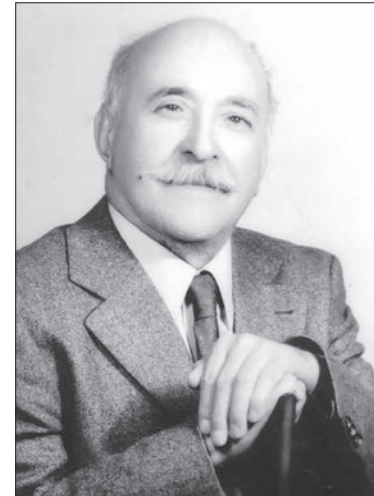
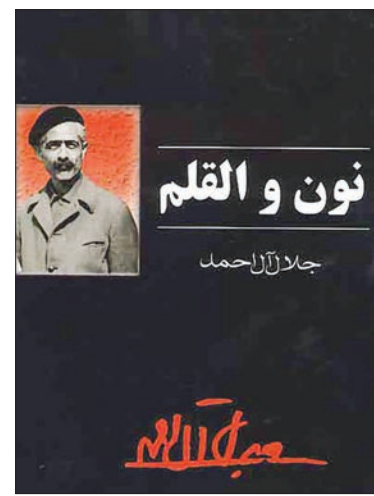


حالات روحی انسان در متلاشی شدن حزب و عملکرد آن در نثر داستانی بی‌مورد نباشد. «تون و القلم» ال احمد از این دست است. پیشتر ذکر شد که او از جدایی طلبان حزب مستوسب می‌شد و از آن جدا شده بود؛ لذا قالب داستانی راهی را برای او جهت بیان تجربیات کسب شده‌اش می‌گشاید. او چهره چپ‌گرایان را چنین توصیف می‌کند: خرافاتی، کذاب، بست‌نشین دارای انحرفیات اخلاقی. علت شکست آنان را چنین برمی‌شمرد: بی‌ریزگی در میان مردم، بی‌سوق می‌دهد که بی‌تردید هرچ‌ومرچ را در بی‌خواهد داشت. حال نکته این جاست که آیا این حق‌مداری به تمامی در آن دوره دیده می‌شود؟ در نتیجه بی‌آن که این اثر اجتماعی باشد در ضمن تاریخی بودن، مسائل سیاسی و اجتماعی روز را در دل خود نهان داشته است. گفتنی است که چنانچه دوره پیشین، دو عنصر اطاعت از فرمانروا (در «شیرزاد یا گرگ جاده»



زهرارامهران کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

اجتماعیات نمود یافته در نثر داستانی سال‌های بین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ به لحاظ پاسخ نویسندگان روشنفکر، هم از منظر عیان‌سازی جامعه و هم به جهت پاسخ اجتماعی ایشان جدای از نگاه‌شده‌های خود نویسندگان نیز درخور توجه است. به منظور تشریح و ملموس تر شدن آن، ابتدا آشنایی با جریانات سیاسی و تاریخی این دوره ضرورت می‌یابد که عامل واکنش‌های اجتماعی و باز نمود آن در ادبیات داستانی بوده است: جریانات کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دریافت کمک مالی دولت از آمریکا در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ به جهت جلوگیری از ورشکستگی دولت، ایجاد سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، سودجویی از حکومت نظامی، دادگاه‌های نظامی و قانون ۱۳۱۰ علیه «مهرام اشترکی» با انگیزه تلاشی حزب توده و دیگر احزاب و جبهه ملی؛ بستن قرار دادهای نفتی با دیگر کشورها و پذیرش اصل تقسیم‌بندی‌های سود با پایان یافتن دعوی نفت با انگلیس و کنار گذاشتن اصرار مصدق درباره جزییات ملی کردن نفت؛ تقویت نیروی نظامی و مسلح از درآمد حاصل از نفت و کمک‌های مالی آمریکا؛ استفاده از نظامیان در اعتراض سال ۱۳۳۳ به قراردادهای نفتی؛ بروز بحران اقتصادی از سال ۱۳۳۳ که باعث بی‌ثباتی رژیم شد و در نتیجه شمار اعتصابات از سال ۱۳۳۶ فزونی یافت؛ برخورد محتاطانه شاه با سه طبقه: زمینداران بزرگ، طبقه متوسط بازار، طبقه متوسط سنتی؛ برخورد قاطعانه با دو طبقه: روشنفکر و کارگر یعنی هر دو طبقه‌ای که از بیشترین گرویدگان حزب توده بودند و این در حالی است که محمدرضاشاه، حزب توده را «دشمن مالکیت خصوصی و اسلام» می‌خواند [۱]. با نظر به اهمیت کودتای ۲۸ مرداد ابتدا به آن پرداخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین نتایج کودتا، پدیداری نسل نویسنده روشنفکر سرخ‌پوش بود که به جهت شکست آرمان‌ها و امیدهای خوش‌بینانه‌اش به بدبینی و یأس رسیده بود؛ لذا چنانچه دوره‌های پیش برای کسب احساس امنیت روانی و ارضای خوانندگان و نجاست روحی و روانی آنان دیگر بار به تقریر داستان تاریخی روی آورد. این آثار بیشتر مطبوعاتی بوده، به شکل پاورقی به طبع می‌رسیدند. از نمونه‌های آن می‌توان از «ده مرد رشید» شاپور آریزنژاد [۲] نام برد که رجوع به گذشته و جنگ قدرت بر سر جانشینی اردشیر دوم، مضمون اصلی آن است؛ اما با نظر به درون‌مایه «هویت‌یابی» سلحشوران نمود یافته در آن، آنچه که رخ می‌نماید، گمشدگی است. حال اگر ملاحظه‌ای صورت گیرد در اوضاع روانی افراد جامعه پس از کودتای ۲۸ مرداد که سرگردانی و گمگشتگی یکی از مظاهر آن است (در جستار آتی به بدان پرداخته خواهد شد). این سوال به ذهن خور که آیا جست‌وجوی هویت، نشان سردرگمی و گمشدگی درونی آحاد جامعه پس از کودتای ۲۸ مرداد یا با برگشت به دوران گذشته، خواهشمند بازگشت به اصل



نابود می‌کند و از همه چیز برمی‌گردد؟ در واقع آن چیزی نیست جز واکنش در برابر آمل بر یاد رفته که در نتیجه آن ایده‌آل‌ها را در گذشته می‌جوید نه آینده؛ لذا در نگرش‌های مطرح شده در خلال آثارش به گذشته و سنت می‌گراید چراکه زمان حال ایده‌آل را نمی‌بیند که آینده‌ای را پیش روی نهد.

در عبارات ابتدایی به جریانات نفت و امتیازاتی که به کمپانی‌های خارجی داده شد و شکست جبهه ملی اشاره‌ای شده؛ بی‌گمان چنین مسائلی

احمد ناظرزاده کرمانی) و ظل‌اللهی یا به بیانی دیگر اسطوره فره ایزدی و مشروعیت‌بخشی اقتدار شاهان (در «نادر فاتح‌دهلی» صنعتی‌زاده کرمانی)، در داستان‌های تاریخی این دوره دیده می‌شود که همان‌گونه که در نوشتارهای پیشین ذکر شد، باز نمودی است از حکومت زورمدارانه و قدرت پدرسالارانه محمدرضاشاه و نیز نشان مشروعیت‌خواهی مذهبی او.

حال که ذکر حزب توده شد، شاید اشاره به نگرش روشنفکران نویسنده توده‌ای و باز تاب

نیز چون دیگر عملکردهای سیاسی در ادبیات نمود می‌یابد و نمونه آن «سردگشت کندوها» ال احمد است. [۴] با نظر به تیپ‌های شخصیتی داستانی، داستان‌های در این دوران نوشته می‌شود که می‌توان با عنوان «داستان‌های جاهلی» [۵] از آنها یاد کرد. در همین جای نظر به نقش جاهلان و اگر کودتا که معمولاً در ساختار طبقاتی لایمپ‌ها قرار می‌گیرند، در خور توجه است. اینان گروهی از اوباشان، دزدان، گدایان و... بودند که معمولاً از شرکت در جریانات سیاسی آبا می‌ورزیدند و اگر شرایط خاص و استثنایی برای مشارکت آنان پیش می‌آمد، مشارکتی ویرانگر و تخریبی بود [۶]. حال بازتاب آن در نثر داستانی دوره و برای نمونه در «اسمالم» در نیویورک «حسن مدنی» نشانی است از باز نمود نقش سیاسی و اجتماعی این طبقه در ادبیات منشور آن زمان. نکته تأمل برانگیز در این داستان توجه به تفاوت سنت و مدرنیسم دیده شده در کشور آمریکایی است که احساس حقارت شخصیت داستان را برمی‌انگیزد تا جایی که به خود بزرگ‌نمایی کاذب می‌پردازد. این امر نگارنده را با فلاش‌بکی برمی‌گرداند به احساس حقارت رضاخان در زمان رؤیت تحقیرآمیز اروپایی که منجر شد به گفتار سیاسی مدرن‌نویسان که در نهایت نه مدرنیته ایجاد شد و نه سنت به شکل سابق باقی ماند. حال در این داستان احساس حقارت که در خفا از نگاه تحقیرآمیز دیگری نشأت گرفته، موجب واکنشی توجیبی در برابر کشوری می‌شود که این روزها بر ایران چیرگی یافته است. این امر تداعی‌کننده روانشناسی سلطه میان استعمارگر و مستعمره است. «در روانشناسی سلطه میان استعمارگر و مستعمره، غرب و شرق اسلامی، و دال‌عظم و دیگری تحقیر شده، هر گزینه‌ای اعم از رد و قبول، پیشاپیش محکوم به شکست است» [۷]. حال خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

با تدقیق در تلخیص جریانات این دوره مورد بررسی، مملکتنا این نوشتار تمامی واکنش‌های نویسنده‌گان دوران را در بر نخواهد گرفت، چرا که واکنش‌هایی بس عمیق‌تر از موارد ذکر شده از جانب نویسندگان نثر ادبی برای عیان‌سازی جامعه این زمانه نمایان شد؛ لذا به جهت باز نمای دقیق‌تر در بخش‌های آتی به شکلی بسط یافته‌تر بدان پرداخته می‌شود.

- پی نوشت:
- [۱]. ک. یاروند ابراهامیان، از ص ۵۲۴-۵۱۵
 - [۲]. ک. حسن میرعبادی، ج ۱ و ص ۲۸۰ و ۲۸۱
 - [۳]. ا. امان، ص ۲۹۲
 - [۴]. ک. همان، از ص ۳۰۷-۳۰۲
 - [۵]. همان، از ص ۲۸۶-۲۸۴
 - [۶]. ک. سیدعلیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، ص ۱۵۱ و ۱۵۲
 - [۷]. فاطمه صادقی گویو، کشف حجاب، ص ۷۹

شماره‌های بعدی این مقاله در روزهای یکشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

اقتراح

پرسی دربار عملی شدن وعده‌ها و سخنان مسئولان اجرایی

این فاصله برداشتنی است؟

طرح‌نامه‌ها این است که فاصله بعضی چیزها در جامعه‌مان از هم زیاد شده است. چیزهایی که باید در کنار هم پیش بروند. یک نمونه‌اش، فاصله حرف زدنی و عمل کردن است که آن را این رفتارهای مسئولان هم می‌بینیم. به تازگی روز بروز و جوانان گفته‌است که نباید با پدیده‌هایی مثل ماهواره قهر کنیم! مادر مقابل رفتاری که از نهاد‌های مربوط می‌بینیم، این نگاه را منتقل نمی‌کنند. گویی یک عده صحبت می‌کنند و عده دیگری با دیدگاه‌های متفاوت سکان عمل را به دست گرفته‌اند و تعاملی بین این دو وجود ندارد. «طرح‌خو» به دنبال پاسخ این سوال است که فاصله سخن تا اجرائی شدن و به متن در آمدن گفته‌های مسئولان در جامعه ما مقدر است و چه پیش‌نیاز‌هایی برای کم‌شدن این فاصله وجود دارد؟ برای این مسأله سراغ یک حقوق‌دان، یک فعال سیاسی و یک نماینده مجلس رفتیم تا دیدگاه‌هایشان را با توجه به نمونه‌های اخیر بیان کنند.

حرف آخر با قانون است

حسین طلا

نایب‌رئیس اول کمیسیون اجتماعی



در بسیاری از موارد ما شاهد این هستیم که مسئولان دولتی و نظام در مورد موضوعات مختلف اظهار نظر می‌کنند و البته باید این اظهار نظر‌ها صورت گیرد اما در خیلی از موارد ممکن است این نظریات هرگز به حوزه عمل وارد نشوند چراکه در آن زمینه‌ها قانون وجود نداشته است. وقتی مجلس قانونی را مصوب می‌کند، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن شود و وظیفه همگان است که آن قانون را اجرائی کنند. حال در خصوص برنامه‌های ماهواره هم وضع به همین شکل است. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر برنامه‌های خوب ماهواره شود، اما واقعیت این است که در خلال برخی از این برنامه‌ها، آسیب‌هایی منتقل می‌شود که این آسیب‌ها جبران‌ناپذیرند و ضرر

زمنی‌های حرف آخر را بزنند. این برنامه‌ها بسیار زیادتر از سود آن است. در بررسی هر موردی باید هزینه-فایده صورت گیرد. اگر نفع قابل توجه و ضرر کم بود، باید آن را انجام دهیم. ما همواره شاهد این هستیم که رسانه‌های فارسی‌زبان بر سر مردمان آتش می‌ریزند. روابط و ارزش‌ها را به باد انتقاد و تمسخر می‌گیرند. آیات واسطه چند برنامه خوب باید این موارد را نادیده گرفت؟ آنچه ما زمانی به عنوان جنگ‌سرد شنیده بودیم به رادیو آزادی برمی‌گردد که زندگی مردم بلوک غرب را به بلوک شرق دیکته می‌کرد. اما امروزه این ماهواره‌ها هستند که این کار را انجام می‌دهند. در نهایت نیز باید گفت اگر مسئولان بخواهند اظهار نظر کنند، ابتدا باید فایده و ضرر هر چیز را مدنظر قرار داده بر آن اساس صحبت کنند و در گام بعدی نیز بدانند، تنها چیزی که قدرت عملیاتی شدن را دارد قانون است و تنها قانون است که می‌تواند در هر زمینگی حرف آخر را بزند.

مسئولان کنار هم باشند نه روی هم

پیمان حاج‌محمد عطار

حقوق‌دان



دهند تا گفته‌ها به واقعیت تبدیل شوند. اما چنانچه اظهار نظر یک مسئول اجرایی، مطابق واقعیت و شرایط روز جامعه نباشد، مسلماً از اقبال عمومی برخوردار نخواهد بود و بی‌اعتمادی جامعه‌یافت می‌شود که این گفته‌ها به عمل تبدیل نشود. البته اعتماد مسئولان به هم و این که آنها در کنار هم قرار گیرند و نه روی‌روی هم کمک بزرگی می‌کند به این که یک سخن تبدیل به واقعیت شود. مسئولان باید تمایلات جامعه را در نظر بگیرند و بدانند به صرف این که با شخصی خصومت دارند نباید گفته‌های او را نادیده بگیرند و اهمیت قایل شوند. بر عکس، هر گفته‌ای که به نفع عموم جامعه است و مطابق با شرایط روز جامعه بازگو می‌شود، ولو این که تا حدی از خطر مز‌ها عبور کرده باشد باید پذیرفته شود که در این مورد اتحاد مسئولان نقشی اساسی دارد.

با توجه به این که مسئولان و کارگزاران حکومتی از دل شهروندان و به نمایندگی از آنان مسئولیت‌های مختلف دارند، چنانچه انتخاب آنها مطابق شرایط قانونی باشد، مسلماً اظهار نظر‌ها و داوروی آنها در سارهای جامعه و شهروندان و آسیب‌های اجتماعی نزدیک به شرایط واقعی خواهد بود. وقتی یک مسئول دولتی بر اساس داوروی علمی و تجربی در خصوص یک معضل اجتماعی اظهار نظر می‌کند، بایستی هم‌زمان و در پس آن سایر مسئولان و دلسوزان جامعه نیز جهت اجرائی شدن آن نهایت تلاش خود را به خرج

سیاست واحد و یادگذاشتن در حوزه عمل

آذر منصوری

فعال سیاسی



مسئولان ۳ قوای کشور باید بتوانند به یک سیاست واحد برسند اما به نظر می‌رسد که در این خصوص اختلاف‌نظر جدی وجود دارد. قاعدتاً طرح مسأله می‌تواند تا حدودی زمینه آگاهی‌بخشی را فراهم کند اما بدون این که روسای قوای کشور به یک سیاست واحد برسند و رویکردها بر اساس این سیاست واحد اعمال شود در حد حرف خواهد بود. اما دولت به‌عنوان یکی از قوای کشور که با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود، به نظر می‌رسد در این زمینه نگاهش نسبت به نیازها و نقدش نسبت به رویکردهای تاکنون اعمال شده به مطالبات و نیازهای فکری و ذهنی مردم نزدیک‌تر باشد و انتظار می‌رود که دولت بتواند نقش جدی‌تری را داشته باشد. اگر نگاه واقع‌بینانه نسبت به فضای فکری و ذهنی جامعه نداشته باشیم و تصمیم‌گیری بر این مبنا نباشد، در روش‌ها و رویکردها ممکن است تصمیماتی بگیریم که نتیجه مطلوب و مورد انتظار را فراهم نکنند. به خصوص در مورد رسانه‌های برون‌مرزی چه به شکل مجازی یا ماهواره‌ای

به‌عنوان یکی از قوای کشور که با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود، به نظر می‌رسد در این زمینه نگاهش نسبت به نیازها و نقدش نسبت به رویکردهای تاکنون اعمال شده به مطالبات و نیازهای فکری و ذهنی مردم نزدیک‌تر باشد و انتظار می‌رود که دولت بتواند نقش جدی‌تری را داشته باشد. اگر نگاه واقع‌بینانه نسبت به فضای فکری و ذهنی جامعه نداشته باشیم و تصمیم‌گیری بر این مبنا نباشد، در روش‌ها و رویکردها ممکن است تصمیماتی بگیریم که نتیجه مطلوب و مورد انتظار را فراهم نکنند. به خصوص در مورد رسانه‌های برون‌مرزی چه به شکل مجازی یا ماهواره‌ای



شماره‌های بعدی این مقاله در روزهای یکشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.